

# اصطلاحات علوم قرآنی

((۲))

آية الله سيد ابوالفضل مير محمدی

واژه‌های محکم و متشابه در زمره اصطلاحات کلیدی علوم قرآنی قرار داشته و انظار محققین بسیاری را به سوی خود جلب نموده‌اند در این مقاله سعی بر آنست تا پرده از معانی این دو لفظ مقدس برداشته شود و غموض و خفای آن روشن گردد.

## محکم در لغت:

محکم اسم مفعول باب افعال از ماده (حکم) و بمنای متقن است و مصادیق آن نیز بحسب موارد با یکدیگر تفاوت دارد چنانکه در زبان فارسی مثلاً وقتی می‌گویند: او شخص محکمی است، اشاره به صفت تاثیر ناپذیری وی است و یا وقتی می‌گویند این نخ محکم است یعنی براحتی پاره نمی‌شود و یا وقتی می‌گویند: دیوار محکم یعنی به سهولت نمی‌ریزد و خراب نمی‌شود و اگر دقت کنیم در همه این موارد و کاربردها مفهوم کلی و قدر جامع مشترك "آسیب ناپذیری" است و این روح کلی وزیر بنائی این واژه است که در کلیه اشتقاقات و صیغ جریان دارد. اینک بررسی لغوی این واژه را با توجه به مصادر معتبر پی می‌گیریم: صاحب مجمع‌البیان می‌گوید: المحکم: المضبوط المتیقن در لسان العرب چنین آمده: "حکمت الشیء و استحکم صار محکماً و احتکم الامر و استحکم و ثق".

در مفردات می‌نویسد: حکم اصله منع منعاً صلاح و منه سمیت اللجام حکمة الدابة.

در اقرب الموارد چنین نوشته شده: احکمه فحکم ای ارجعه فرجع، احکم الشیء: اتقنه. احکم فلانا عن الامر: رجعه احکم فلانا: منعه عن الفساد.

بررسی دقیق این معانی بر ما روشن می‌کند که هر چند کلمه "احکام" ظاهراً در سه معنی استعمال شده ولی این قابلیت را دارد که به یک معنی یعنی اتقان و محکم کاری باز گردد و به تعبیر دیگر: ارجاع به کار شایسته همان اتقان در امور است و لگام زدن بر دهن اسب نیز از محکم کاری و اتقان امر است

### متشابه در لغت :

متشابه اسم فاعل از ماده شبه بمعنای متماثل است و اهل فن در این رابطه چنین نگاه داشته‌اند: راغب در مفردات می‌نویسد: الشبه و الشبه المماثله (واتوا متشابهها) ای شبهه بعضه بعضا و در مجمع البحرین آمده: "واتوا متشابهها" ای متماثلات و در لسان العرب بیان می‌کند: تشابه الشیئان و اشتبها: شبه کل احد منهما صاحبه و المتشابهات المتماثلات و المشکلات.

بنظر میرسد در مواردیکه متشابهات را بمعنای ملتبسات و مشکلات گرفته‌اند بجهت مماثلت و هم شکلی آنها است بنابراین می‌توان گفت متشابهات در کلیه موارد و در جمیع مشتقات آن مثل اخذ شده است چنانکه در اقرب الموارد می‌نویسد: تشابه الرجلان و اشتبها ای شبه کل منهما الاخر.

### محکم و متشابه در اصطلاح :

این دو لفظ و واژه برگرفته از آیه شریفه‌ای هستند که در این ارتباط نازل شده خداوند متعال می‌فرماید: (هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمت هن ام الکتاب و اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تاویله و ما یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم یقولون آمنابه کل من عند ربنا و ما یذکر الا اولوا الالباب) آل عمران / ۷.

این آیه شریفه صریحاً بیان می‌کند: قرآن مجید دارای دو نوع آیات (محکم و متشابه) است. بدین ترتیب بعض آیات دیگر قرآنی که دلالت دارند بر اینکه تمام قرآن کریم دارای آیات محکم هستند مانند آیه شریفه (الکتاب احکمت آیاته ثم فصلت من

لدن حکیم خبیر) سوره هود / ۱ و یا آیه شریفه دیگر که دلالت دارد بر اینکه تمام قرآن دارای آیات متشابهند مانند آیه شریف (الله نزل احسن الحدیث کتابا متشابها) زمر / ۲۳. باید به معنای دیگری غیر از معنای آیه شریفه آل عمران که بر آن دلالت صریح دارد حمل کرد، و مثلاً گفته شود تمام قرآن دارای آیات محکم یعنی متقن است و همینطور تمام قرآن شریف دارای آیات متشابهند و یعنی با هم مشابهند همه مثلاً فصیح هستند و همینطور در نظم و غیره یکسانند.

در معنای اصطلاحی این دو لفظ اختلاف نظر زیادی دیده می‌شود که محققین ما در کتابهای خود به آن اشاره کرده‌اند:

مرحوم شیخ طبرسی می‌نویسد: در معنای متشابه اقوال زیادی است که عبارتند از:

۱- محکم جمله‌ای را می‌گویند که مراد از آن بدون قرینه معلوم باشد و متشابه آن است که مراد از آن، معلوم نباشد مگر با قرینه.

۲- محکم یعنی ناسخ و متشابه یعنی منسوخ چنانکه از این عباس نقل شده است.

۳- محکم آنست که قابل تاویل نباشد و متشابه آیه‌ای که قابل تاویل به معنای زیادی باشد چنانکه از محمد بن جعفر بن زبیر و ابی علی جبائی نقل شده است.

۴- محکم آنست که الفاظش متکرر نباشد و متشابه آنکه الفاظش متکرر باشد مانند قصه موسی و غیر آن چنانکه از ابن زید نقل شده است.

۵- محکم آنست که وقت و تاویل آن معین باشد و متشابه آنست که تاویل آن معین نباشد مانند قیام ساعت و روز آخرت که معلوم نیست در چه زمانی هستند چنانکه از جابر بن عبدالله نقل شده است.

سیوطی اقوال دیگری را علاوه بر اقوال فوق نقل کرده می‌نویسد: گفته شده محکم آنست که معنای آن قابل درک عقلانی باشد و عقل به آن پی ببرد، و متشابه آنست که معنای آن ماورای درک عقل بوده و قابل فهم نباشد مانند عدد رکعات نماز و اختصاص روزه به ماه مبارک رمضان نه شعبان چنانکه ماوردی گفته است. و نیز گفته شده است محکم عبارت است از واجبات و وعده‌ها و وعیدها و متشابه عبارت است از قصص و امثال و از مقاتل بن حیان نقل شده: آنچه بما رسیده چنین است که متشابه عبارت است ازالم، المص، المر، الر، و... هستند و از عکرمه نقل شده: محکم آنست که به آن عمل شود و متشابه آنست که به آن ایمان بیاورند و عمل نشود.<sup>(۱)</sup>

شیخ زرقانی می‌نویسد: علاوه بر اقوال فوق قولی است که از تمامی آنها به واقع و حقیقت نزدیک‌تر است و شیخ رازی آن را اختیار کرده است و خلاصه این است که محکم به آیه‌ای گویند که دلالت آن بنظر عقل روشن باشد مانند نصوص و ظواهر و اما متشابه آنست که معنای آن روشن نباشد مانند مجمل و مأول و مشکل و شیخ رازی و اکثر محققین آنرا اختیار کرده‌اند.<sup>(۱)</sup>

علامه طباطبائی (رحمه‌الله علیه) شماراقوال در این زمینه را به شانزده قول رسانده و پس از تحقیق و بررسی و ایراد و اشکال می‌نویسد: اینها اقوالی است معروف که در تعریف محکم و متشابه گفته‌اند: اما آنچه از آیه شریف استفاده می‌شود اینکه متشابه آیاتی هستند دارای دلالت ولی بر معنایی دلالت می‌کنند که مورد شک و تردید ولی این شک و تردید در الفاظ آنها نیست تا با طریق معمول حل شوند و مثلاً عام را بر خاص و مطلق را بر مقید حمل نمایند بلکه تردید در معانی آنها است که مناسب با معانی ایکه از آیات دیگر قرآن بطور وضوح استفاده می‌شود نیستند و فقط آن آیات روشن می‌توانند این متشابهات را روشن نمایند.<sup>(۲)</sup>

پس از اثبات تغایر بین این دو کلمه‌ایکه در سوره آل عمران واقع شده و آنچه در سوره‌های دیگر واقع شده است بنظر می‌رسد که مراد از محکومات آیاتی است که فقط بر یک معنی دلالت کنند و احتمال دیگری نباشد و نیز مانعی در اراده آن معنی در بین نباشد چه از قبیل نصوص باشند که احتمال ضعیفی هم در اراده خلاف نباشد و چه غیر آن که دلالت بر آن قطعی نیست ولی راجح است و در اصطلاح از آن به ظهور تعبیر می‌شود و واجب است بر طبق آن عمل شود و هرگاه ترک گردد تارک مورد مواخذه قرار می‌گیرد و عرف آنرا اتمام حجت می‌داند چه در انشاء و چه در اخبار باشد و چه در قصص باشد و چه در احکام.

و مراد از متشابهات آیاتی است که بر معنایی دلالت ندارند مانند فواتح سور بنابراینکه آنها رموزیست بین خدا و رسولش که دیگران از آن بی اطلاعند و یا دلالت بر معنایی دارد لیکن عقلاً آن معنی نمی‌تواند مراد باشد مانند آیه شریفه (الرحمن علی العرش استوی) یعنی خدا بر روی عرش مستقر است زیرا اراده چنین معنایی مستلزم تجسم خداوند است و یا اجماعاً نمی‌تواند مراد باشد مانند آیه شریفه (اذقال

۱- مناهل العرفان، ج ۲، ص ۱۷۰

۲- تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۳۱

ابراهیم لایبه آزا تتخذا صناما الهه) که ظاهرش دلالت دارد بر اینکه پدر حضرت ابراهیم بت پرست بوده است و آن به اجماع اصحاب باطل است زیرا پدران پیامبر اسلام همگی موحد بوده‌اند و علاوه بر اجماع اخبار صحیحه نیز بر آن دلالت دارد پس باید در کلمه "اب" تصرف کرد و گفت آزر جدامی ابراهیم بوده و یا عموی آنحضرت بوده چنانکه سیوطی و غیر او از اهل سنت گفته‌اند.<sup>(۱)</sup>

و یا بر معانی متعدده دلالت کند بدون اینکه برای تعیین یکی از آنها قرینه‌ای باشد، بدیهی است به چنین لفظی فقط افراد منحرف و مریض القلب تمسک می‌جویند تا معنی موردنظر خود را به آن تحمیل کنند.

اینک به بررسی دلایلی می‌پردازیم که این نظر را تأیید می‌کند:  
 شیخ نعمانی<sup>(۲)</sup> در تفسیر خود از علی علیه‌السلام نقل می‌کند آنحضرت در پاسخ شیعیان چنین فرموده‌اند: متشابه از قرآن الفاظی است که لفظ و احدولی معانی متعدده داشته باشند آنگاه آنحضرت به کلمه ضلال مثال زده‌اند که معانی متعدده دارد: ضلال مطلوب، ضلالی است که خداوند به خود نسبت داده چنانکه در آیه شریفه (یضل من یشاء ویهدی من یشاء) می‌بینیم و ضلال مذموم ضلالی است که به سامری نسبت داده شده، چنانکه در آیه شریفه (واضلهم السامری) می‌بینیم و ضلال (مباح) نه محمود و نه مذموم مانند ضلال نسیان...<sup>(۳)</sup>

حضرت در این حدیث الفاظیکه دارای معانی متعدد هستند و قرینه‌ای نیز در بین نباشد تا یکی از آنها گزین گردند، را متشابهات دانسته‌اند. عیاشی در تفسیر خود می‌نویسد از امام صادق (ع) معنی محکم و متشابه را جویا شدند فرمود: محکم آنست که به آن عمل شود و متشابه آنست که بر جاهل مشتبه باشد.<sup>(۴)</sup>

امام علیه‌السلام: هر لفظی را که برای جاهلش مشتبه باشد، متشابه دانسته‌اند و عرف و اهل لغت نیز از مشابه همین معنی را فهمیده و در کتابهای خود آورده‌اند. ناگفته نماند در ذیل آیه شریفه "محکم و متشابه" مباحث دیگری نیز عنوان شده است مانند

۱- المدارج المنیفه فی الآباء الشریفه، ص ۱۱  
 ۲- مرحوم حاجی نوری در خاتمه مستدرک می‌نویسد این تفسیر تألیف: شیخ اقدم ابو عبدالله محمد بن ابراهیم جعفر النعمانی کاتب است که در نهایت اعتبار و مولف آن از نیکان اصحاب ما است.  
 ۳- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۲، از رساله محکم و متشابه شیخ نعمانی  
 ۴- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۲

بحث تاویل که دارای چه معنی است؟ و یا غیر از خداوند متعال تاویل آیات متشابه را میداند یا نه؟ و یا وجود چنین آیاتی (متشابهات) چه فلسفه‌ای دارند؟ در این زمینه جستجوگران را به کتب تفسیر و علوم قرآنی ارجاع می‌دهیم، اینجانب نیز در کتاب "بحوث فی تاریخ القرآن و علومه" متعرض آنها شده‌ام. از جمع الفاظیکه در مباحث علوم قرآنی و تاریخ قرآن زیاد به چشم می‌خورد کلمه جمع است و معمولاً در ذیل این عنوان که "قرآن را چه کسی جمع کرده است" از آن سخن به میان می‌آید.

جمع در لغت بمعنای ضم اشیاء متفرق بهم در یکجاست حال چه پس از انضمام وجود واحدی تشکیل دهند و چه ندهند.

در کتب لغت در ذیل این واژه چنین می‌بینیم:

در صحاح اللغة می‌نویسد: الجمع مصدر جمعت الشئی المتفرق فاجتمع و در لسان العرب نگارش شده: جمع الشی عن تفرقه المجموع الذی جمع من هیهنا و هیهنا و ان لم يجعل کاشی الواحد جمعت الشی اذا جئت من هیهنا و هیهنا و راغب در مفردات گوید: ضم الشی بتقریب بعضه من بعض و در مجمع البحرین به ثبت رسیده الاجتماع ضد الافتراق و جمعت الشی المتفرق فاجتمع.

### جمع در اصطلاح:

در مورد جمع به معنی اصطلاحی و اینکه چه کسی قرآن را جمع آوری کرده است علماء نظرات گوناگون و متفاوتی دارند که اینک به بررسی آن می‌نشینیم. سیوطی از بخاری نقل می‌کند: قتاده از انس بن مالک سؤال کرده چه کسی قرآن را در عهد پیامبر (ص) جمع کرده است در پاسخ گفته چهار نفر از انصار بنام ابی بن کعب و معاذ بن جبل و زید بن ثابت و ابوزید قرآن را جمع کرده‌اند<sup>(۱)</sup> و نیز نقل می‌کند: مطلبی که انس اظهار کرده مورد اشکال واقع شده که او از کجا بدست آورده فقط چهار نفر قرآن را جمع کرده‌اند؟ آیا او جمیع مناطق را رفته تا از جامع قرآن نفیاً و اثباتاًت خبر دهد آنگاه از بوبکر باقلانی مطلبی در رفع این اشکال بیان می‌کند: باقلانی می‌گوید: ممکن است مرا داز جمع مفاهیم ذیل باشد:

۱- مراد از جمع اخذ و تلاقی آیات است که از زبان مبارک پیامبر اسلام (ص) بلا واسطه دریافت شده باشد و فقط این چهار نفر چنین بوده‌اند و این مطلبی است که براحتی می‌شود بدست آورد.

۲- مراد از جمع حضور در خدمت آنحضرت باشد و این حضور مکرر برای تلقی و تعلیم اتفاق بیفتد بطوریکه این چهار نفر در این کار مشهور گشته باشند.

۳- مراد از جمع کتابت آیات باشد نه حفظ

۴- مراد از جمع اطاعت از آیات و عمل به آنها باشد چنانکه گفته شده (انما جمع القرآن من سمع له و اطاع).<sup>(۱)</sup>

به هر حال آنچه در مفهوم اصطلاحی "جمع" محتمل است و دانشمندان علوم قرآنی در کلمات خود اراده کرده‌اند می‌توان چنین دسته‌بندی نمود.

۱- جمع بمعنای جمع آوری آیات در جای واحد و اضافه نمودن و تفسیر و تاویل آیات بر آنها.

۲- صرف جمع آوری آیات در یکجا بدون ترتیب سوره و آیات قرآن کریم

۳- صرف جمع آوری آیات در یکجا و دادن ترتیب به سوره و آیات

۴- جمع آوری آیات و کتابت آنها از نوشته‌ها و سینه‌ها در صورت وجود و شاهد و یا یک شاهد که در حکم دو شاهد باشد.

۵- جمع آوری آیات به معنای حفظ در سینه‌ها

۶- جمع آوری آیات در میان دو جلد و صحافی کردن و محکم کردن صفحات بوسیله دوخت و غیره اما جمع بمعنای اول یعنی جمع آوری و اضافه کردن تفسیر و تاویل بر آنها مضمون همان احادیثی است که دلالت دارند بر اینکه پیامبر اسلام (ص) علی (ع) را فرمود پس از مرگ من قرآن را از منزل بیرون آر و مواظبت نما تا ضایع نشود و علی (ع) چنان نمود و قسم یاد کرد ردا بدوش نگیرد مگر برای نماز تا آنها را جمع کند و در مدت ۷ روز بنا بر بعضی روایات در خانه مشغول جمع آوری آیات و اضافه تفسیر و تاویل بر آنها گشتند و قرآن را بر حسب ترتیب نزول جمع فرمود از باب نمونه به چند حدیث اشاره می‌شود:

۱- سلیم بن قیس از سلمان نقل می‌کند: علی (ع) پس از رحلت پیغمبر (ص) ملازم خانه شد و قرآن را تالیف نمود و از خانه بیرون نیامد تا اینکه قرآن را از ورقه‌های کاغذ و

چوبها و چرمها و قطعات دیگر در یکجا جمع کرد و در پارچه‌ای گذاشت و مهر نمود.<sup>(۱)</sup>  
 ۲- از ابن شهر آشوب نقل شده: پیغمبر اسلام (ص) به علی فرمود یا عل این کتاب خدا است با خود بردار پس علی (ع) آن را در پارچه‌ای نهاد و به منزل بر دو پس از رحلت پیغمبر (ص) آنرا به ترتیب نزول جمع کرد و به آن آگاه و عالم بود.<sup>(۲)</sup> و بر طبق روایت تنزیل یعنی تفسیر و تاویل یعنی معانی غیر ظاهر را بر آن افزود.<sup>(۳)</sup>

۳- از مصاحف ابن ابی داود از طریق ابن سیرین نقل شده: علی (ع) فرمود پس از وفات پیامبر (ص) قسم یاد کردم رداء بردوش نگیرم مگر برای نماز جمعه تا اینکه قرآن را جمع نمایم پس جمع کردم.<sup>(۴)</sup>

و نیز از فضائل ابن الضریس نقل شده: محمد بن سیرین از عکرمه روایت می‌کند علی (ع) پس از بیعت ابوبکر از خانه خود بیرون نیامد و مردم به ابوبکر گفتند: علی بیعت تو را دوست ندارد آنگاه ابوبکر از علی جویا شد آیا تو به بیعت من کراهت داری فرمود نه قسم بخدا من چون دیدم کتاب خدا در معرض تزییع قرار گرفته و ممکن است بر آن اضافه کنند، قسم یاد کردم از منزل خارج نشوم مگر برای نماز تا قرآن را جمع کنم سپس ابوبکر گفت فکر خوبی است آنگاه عکرمه گفت اگر جن وانس بخواهند مثل آن را بیاورند نمی‌توانند. و از این سیرین نقل شده: من زیاد جستجو کردم و به مدینه نیز کسی را در جستجوی آن فرستادم ولی بر آن دست نیافیم. و نیز از این سیرین نقل شده: هر گاه آن کتاب پیدا شود در آن علم و دانش است.<sup>(۵)</sup> و از احتجاج نقل شده: طلحه از علی (ع) پرسید: یا علی مرا از وضع این قرآن و تاویل آن و علم حلال و حرام آگاه ساز آیا پس از تو چه کسی آنرا مالک می‌شود فرمودای طلحه پیغمبر (ص) مرا امر فرمود که آنرا به وصی ام حسن بدهم و او به وصیش حسین (ع) و او به اولاد اوصیاء خود تا به فرزند آخری حسین (عج‌الله‌تعالی فرجه) منتقل بشود.<sup>(۶)</sup> اما جمع بمعنای صرف جمع‌آوری آیات متفرقه در یکجا بدون اعمال نظری از قبیل ترتیب سوره‌ها و آیات و به منظور حفظ آیات تا آنها کم و کسر نشود مقصود تعدادی از این احادیث است که دلالت دارند بر اینکه قرآن را در عصر پیامبر فقط چهار نفر جمع کرده‌اند و یا اینکه پس از شهادت ۷۰

۱- کتاب سلیم بن قیس، ص ۶۳

۲- التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۲۷

۳- همان، ص ۲۱۹

۴- الاتقان، نوع ۱۸، ص ۵۷

۵- همان، ص ۵۸

۶- مقدمه تفسیر صافی به نقل از احتجاج، ص ۱۰



قاری در بئر معونه، زید مامور شد که آیات قرآن را جمع کند تا آیاتی از آن از دست نرود و..... مثلاً:

۱- بخاری نقل می‌کند: پیغمبر (ص) رحلت نکرد مگر اینکه چهار نفر قرآن را جمع کردند ابوالدردا معاذبن جبل، زیدبن ثابت و ابوزید و ماآن را ارث برده‌ایم.<sup>(۱)</sup>

۲- بخاری از زیدبن ثابت نقل می‌کند: ابوبکر پس از کشتار قراء در یمامه پی من فرستاد و ما را احضار کرد و در وقتی که عمر، هم نزد او بود اظهار کرد عمر نزد من آمده می‌گوید قراء زیادی در روز یمامه کشته شدند و من نگرانم در جای دیگر نیز چنین جریانی پیش بیاید و آیات زیادی از قرآن از بین برود من هم تو را مامور بجمع قرآن می‌کنم و من به عمر گفتم کاری را که رسول خدا نکرده چگونه ما بجا بیاوریم آنگاه عمر گفت قسم بخدا کار خوبی است و اصرار کرد تا راضی شدم سپس ابوبکر گفت تو جوان عاقلی و مورد تهمت قرار نمی‌گیری و وحی را نوشته‌ای پس تمام قرآن را جمع کن و قسم بخدا این کار از نقل کوه برایم سنگین تر بود و در اثر مراجعه زیاد دلم راضی شد پس تتبع کردم قرآن را از ورقه‌های نخل و سنگهای صاف و سینه‌ها جمع کردم و آخر برائت (لقد جاءکم رسول الله) را نزد ابی خزیمه انصاری یافتم پس این صحف نزد ابی بکر و پس از فوتش نزد عمر و پس از فوتش نزد حفصه دختر عمر بود.<sup>(۲)</sup>

۳- از ابن شته نقل شده: لیث بن سعد می‌گوید: ابوبکر اول کسی است که قرآن را جمع نمود و زید آن را نوشت و مردم نزد زیدبن ثابت می‌آمدند ولی زید آیاتی را که دو شاهد عادل با آنها بود می‌نوشت و آخر سوره برائت را فقط نزد ابی خزیمه یافت و گفت آنرا بنویسید زیرا رسول خدا (ص) شهادة او را بمنزله دو شاهد می‌گرفت و نوشتند و عمر نیز آیه رجم را آورد ولی چون تنها بود و شاهد نداشت نوشت.<sup>(۳)</sup>

از احادیث فوق استفاده می‌شود: منظور محدثین از جمع، جمع‌آوری آیات است تا کم و کسر نشود اما ترتیب سور و آیات به هیچ وجه منظور نیست چنانکه از محاسبی در کتابش (فهم السنن) نقل شده است، می‌گوید: کتابت قرآن امر حادثی نیست بلکه رسول خدا (ص) به کتابت آن دستور داد اما متفرق و در کاغذها و کتف‌ها و برگهای درخت خرما قرار داشت تا اینکه صدیق دستور داد تا آنها را در یکجا جمع نمایند و این کار مثل این است که اوراقی در خانه پیامبر اسلام (ص) متشتت بوده و کسی آنها را در

۱- صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۰۲

۲- الاتقان، ج ۱، نوع ۱۸، ص ۵۷

۳- همان مدرک، ص ۵۸

یکجا جمع کرده و دوخته باشد تا چیزی از آن ضایع نشود.<sup>(۱)</sup> و اما جمع بمعنای حفظ در سینه‌ها برحسب تتبعی که شد در جائی دیده نشد و فقط در مقام رفع معارضه بین احادیث و یا اشکال دیگر این احتمال داده شده است در سابق اشاره شد که حدیثی از انس نقل گشته که جمع‌کنندگان قرآن فقط چهار نفرند و نیز نقل شد که این حدیث مورد اشکال قرار گرفته که این حصر از کجا برای انس ثابت شده است بلی او می‌تواند بگوید: من غیر از اینها ندیده‌ام والا لازم است جمیع شهرها و امکنه را سیر نماید و جویا شود تا چنین ادعائی بنماید و معلوم است این کار شدنی نیست. و در پاسخ این اشکال احتمالاتی داده شده از جمله آنها احتمال اراده حفظ از لفظ جمع است و نیز معلوم است استعمال لفظ در معانی مجازیة نیاز به قرینه دارد که مورد فاقد آنست.

بلی در مواردیکه قرینه‌ای در بین باشد می‌توان جمع را به معنای حفظ حمل کرد چنانکه در تفسیر آیات شریفه (لا تحرك به لسانك لتجعل به، ان علينا جمعه و قرآنه)<sup>(۲)</sup> گفته شده است که پیغمبر اسلام (ص) در حین نزول وحی و قبل از فراغت جبرئیل لبهای خود را حرکت داده و قرآن را تلاوت می‌فرموده است آنگاه خداوند متعال بآنحضرت اطمینان داده که نگران نسیان نباشد که ما آنرا در حافظه‌اش جمع خواهیم کرد و معلوم است جمع در این مورد به قرینه‌شان نزول بمعنی حفظ است.

اما جمع قرآن بمعنای اطاعت از آن نیز برخلاف لغت و حرف است و نباید بدون قرینه این واژه را بر آن حمل نمود بلی اگر قرینه باشد چنین حملی مانعی ندارد مثلاً اگر در قرآن کریم هدایت را در آیه شریفه (هدی للمتقین) به متقین مخصوص فرموده است با اینکه قرآن کریم هدایت برای همه است و اختصاصی به متقین ندارد می‌فهمیم: قرآن برای کسی که بهره‌ای از آن نبرده هدایت نیست و به همین لحاظ جمعی که اطاعت ضمیمه آن نباشد جمع نیست پس جمع مساوق با اطاعت است. اما کلمه جمع که در بسیاری از کلمات دانشمندان علوم قرآنی آمده که چه کسی قرآن فعلی و عصر را جمع آوری کرده مراد از آن قسم سوم از اقسام گذشته است یعنی چه کسی آیات قرآنی را در یکجا قرار داد و به سور و آیات آن ترتیب فعلی را داد.

بنظر می‌رسید همانطوریکه بسیار از دانشمندان گفته‌اند: این جمع بدستور ابوبکر

۱- همان مدرک

۲- القیامه / ۱۷، ۱۸

انجام گرفته است اما نه بمعنائی که از بخاری نقل شده که زید قسمتی از آیات را از سینه‌ها با گواهی دو شاهد و یا یک شاهد که شهادت آن در حکم دو شهادت باشد مانند ابو خزیمه بن ثابت زیرا این کلامی است برخلاف عقل و اعتبار و برخلاف روش پیامبر اسلام (ص) که گفته شده آنحضرت بقدری در ضبط آیات حریص بوده که قبل از فراغت جبرئیل آنرا قرائت می‌کرد تا مبادا کلمه‌ای فراموش شود تا دستور آمد نگران نباش و صبر کن تا جبرئیل از وحی آنها فراغت حاصل کند پس چگونه ممکن است که پیامبر جمع‌آوری قرآن را رها کند تا زید بیاید و آنرا از سینه‌ها جمع نماید.

بلکه مراد از این جمع این است که ابوبکر دستور داد نوشته‌های قرآنی که در عصر پیامبر موجود بوده ولی بدون اینکه در یکجا نوشته شود جمع‌آوری گردد و در یکجا قرار گیرد و ترتیب آیه‌ها و سوره‌ها به همان نحو که خود پیامبر (ص) داده مراعات گردد چنانکه بعضی از دانشمندان بزرگ شیعه و سنی از قدما و متاخرین چنین فرموده‌اند که می‌بینیم: از ابوشامه نقل می‌کنند: غرض از شاهدین این نیست که دو شاهد عادل گواهی دهند بلکه مراد از آنها حفظ و کتابت است.<sup>(۱)</sup>

و از سخاوی نقل می‌کنند که در کتاب جمال‌القراء می‌نویسد: مراد از شاهدین گواهی آنان است که در زمان پیامبر (ص) نوشته شده و یا بر وجه نزولش شهادت دهند نه بر اصل آن<sup>(۲)</sup> اشاره‌ایست بر جمله معروف (نزل القرآن علی سبعة احرف)

و از محاسبی نقل می‌شود که در کتاب فهم‌السنن می‌نویسد: آیات در زمان پیامبر (ص) نوشته شده بود ولی متفرق بوده که صدیق جمع‌آوری آن را در یکجا دستور داد همچنانکه اوراق متشتت را در یکجا جمع‌آوری می‌کنند و می‌دوزند.<sup>(۳)</sup>

سیوطی نیز مطلب را یعنی جمع‌آوری آیات را با دو شاهد استبعاد کرده می‌نویسد: مراد از شهادت این نیست که شهادت دهند فلان جمله مثلا از آیات قرآنی است بلکه شهادت دهند که آن بر پیامبر (ص) جهت قرائت عرضه شده است.<sup>(۴)</sup>

چنانکه در اواخر نوع ۱۶ تذکر داده‌ایم که قرائت فعلی همان قرائتی است که بر پیامبر عرضه شده است. اینها کلماتی است که از علمای متقدم نقل شده است و نمونه‌ای چند نیز از علمای متاخر و معاصر نیز برای تایید مطلب یعنی عدم جمع‌آوری قرآن

۱-الاتقان، نوع ۱۸، ص ۵۸

۲-الاتقان، نوع ۱۸، ص ۵۸

۳-الاتقان، نوع ۱۸، ص ۵۸

۴-الاتقان، نوع ۱۸، ص ۵۸

کریم از سینه‌ها با گواهی دو شاهد می‌آوریم:

علامه خوئی می‌نویسد لفظ کتاب‌الله که در کلمات پیامبر(ص) آمده است به مجموعه‌ای گفته می‌شود که مکتوب باشد و دارای یک وجود باشد نه متفرق.<sup>(۱)</sup>

مناع‌القطان می‌نویسد: قرآن شریف در عصر پیامبر نوشته شده بود ولی متفرق بود و ابوبکر امر کرد تا در کتاب واحدی بنویسند و بهمین جهت ابوبکر را جامع اول می‌گویند. به هر حال آنچه بنظر صحیح و قطعی می‌رسید اینکه علی(ع) بنا بر وصیت پیامبر اسلام(ص) آیات قرآنی را که در بیت شریف آنحضرت بود جمع فرمود جمعی که تمام آیات را که متفرق بودند استنساخ فرمود و در یکجا جمع نمود و تفسیر و تاویل و شان نزولها را بر آن افزود این استنساخ طبق نوشته صاحب مجمع‌البحرین در لغت (جمع) به ۷ روز درازا کشید سپس به مردم عرضه فرمود لیکن مورد قبول نیفتاد و حضرت قرآن خود را برگردانید و فرمود دیگر این قرآن را نخواهند دید و اوصیاء یکی پس از دیگری وارث آن می‌شوند تا در امام عصر (ارواح‌الهدی) مستقر خواهد شد.<sup>(۲)</sup>

و پس از آن قراء که تعدادی از آنان حافظ قرآن نیز بودند آیات را در میان مردم رواج می‌دادند و تعلیم آنان می‌نمودند و پس از جنگ یمامه که تعداد زیادی از آنان شهید شدند که بعضی تعداد شهدا را به ۷۰ شهید بشمار آورده‌اند، عمر نگران شد که قرآن بخطر بیفتد و کم و کسر گردد ناچار نزد ابوبکر آمده جمع‌آوری قرآن را پیشنهاد کرد ابوبکر در ابتداء قبول نکرد ولی بعداً راضی گردید که زید قرآن را در یکجا جمع کند.<sup>(۳)</sup> ولی آنچه معروف شده که زید قسمتی از آیات را با شهادت دو شاهد و یا شهادت یک شاهد که در حکم دو شاهد بود مانند خزیمه نوشت بهیچ وجه صحیح نیست و چگونه می‌شود که سند قطعی قرآن مجید به دو نفر و یا احیاناً به یک نفر منتهی کرد و العیاذبالله سست نمود بلکه مقصود از جمع‌آوری زید چنانکه تعدادی از علماء تصریح کرده‌اند که نمونه‌ای از آنان ذکر گردید این است آیاتی که در عصر پیامبر مانند بعضی از کاتبان وحی و غیره نوشته بودند و متفرق بود در یکجا نوشته شود و تحویل ابوبکر دهند و این قرآنهاى فعلی همانست که در آن زمان جمع‌آوری شد.

۱- تفسیرالبیان جمع‌القرآن

۲- مقدمه تفسیر صافی نقل از ص ۱۰ احتجاج

۳- الاتقان، نوع ۱۸، ص ۵۷ نقل از صحیح بخاری